



پژوهشی دربارهٔ پیوستگی قومی و  
پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران  
دکتر سکندر آمان‌اللهی بهاروند



## فهرست

۷	پیشگفتار
	فصل اول
۵	منشاء واژه لر
	فصل دوم
۲۱	اصل و نسب لرها
۲۴	۱. گذشته باستانی مناطق لرنشین
۳۱	۲. مناطق لرنشین در دوره اسلامی
۳۳	۳. کردان و لران
۴۲	۴. ترکان
۴۴	۵. نتیجه گیری
	فصل سوم
۴۷	زبان لرها
۵۴	۱. محدوده زبان لری
۵۷	۲. زبان لکی
	فصل چهارم
۵۹	جغرافیای تاریخی مناطق لرنشین
۶۰	۱. دوران پیش از اسلام

۲. دوره اسلامی

۷۴

فصل پنجم

گروهها و شاخه های قوم لر

۱۲۷

گفتار پایانی

۲۵۴

30BOOKS.COM

## پیشگفتار

سرزمین کهنسال ایران از دوران باستان زیستگاه اقوام گوناگون بوده و امروز نیز چنین است. در دوره هخامنشیان که مرزهای این سرزمین از سیردریا (سیحون) و آمودریا (جیحون) در شرق تا قلب یونان و مصر در غرب گسترده بود اقوام مختلف با فرهنگها و زبانهای متفاوت به سر می بردند که تصاویر بعضی از آنها در حجاری های تخت جمشید و اسامی آنها در کتیبه های داریوش اول و اردشیر دوم ضبط شده است. براساس کتیبه اردشیر دوم که در همدان به دست آمده است اسامی ۳۰ ملیت مختلف که امپراتوری پهناور هخامنشی را تشکیل می دادند به چشم می خورد. اما با گذشت روزگار از وسعت این امپراتوری پهناور به تدریج کاسته شد. در زمان صفویان تلاش همه جانبه ای برای بازسازی مرزهای این سرزمین صورت گرفت و کمابیش محدوده ایران به مرزهای زمان ساسانیان گسترش یافت اما این وضع دیری نپایید، زیرا در دوره قاجاریه، دول متجاوز روس و انگلیس به تجزیه ایران پرداختند و تقریباً نیمی از آن را که شامل سرزمین های افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان و غیره بود جدا ساختند. آشکار است که این پیشامد شوم پیوندهای دیرین بین ما و دیگر هموطنان باستانی چون افغانیان، گرجیان، ارمنیان، تاجیکیان، و آذربایجانی ها را گسست که در نتیجه شمار اقوام تشکیل دهنده ایران کاهش یافت. اما با این حال ایران هنوز کشور وسیعی است که دهها گروه قومی را در خود جای داده است. اصولاً مردم کنونی ایران از سه گروه قومی یعنی آریایی، سامی (اعراب، یهودیان و آسوریان) و ترک- مغول تشکیل شده اند که در این میان گروه اول حایز اکثریت است. هر یک از این سه گروه به اقوامی چند تقسیم می شوند.

در اینجا پیش از هر گفتگونی ناگزیریم واژه قوم را تعریف کنیم. این واژه، از دیدگاه مردم‌شناسی به گروهی اطلاق می‌شود که دارای زبان و وجوه مشترک فرهنگی و تاریخی باشند. متأسفانه پژوهشهای قوم‌شناسی در ایران به کندی صورت می‌گیرد، به طوری که هنوز نه آمار درستی از ترکیبات قومی این مملکت در دست است و نه کتاب جامعی که حاوی اطلاعات مستند دربارهٔ همهٔ اقوام ایران باشد. رسالهٔ حاضر پژوهشی است قوم‌شناختی دربارهٔ لرهای ایران، به امید آنکه گامی باشد در شناخت رفتار مردم این سرزمین.

لرها یکی از بزرگترین گروههای قومی ایران هستند که نزدیک به سه هزار سال پیش همانند دیگر آریاییان از آسیای میانه به ایران آمدند. این قوم در طول تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان همیشه نقش مهمی را بازی کرده و در مقابل اسکندر مقدونی تیمور لنگ، مغول، عثمانیها و دیگر دشمنان این سرزمین مردانه جنگیده و در دفاع از این آب و خاک تا پای جان ایستادگی کرده‌اند. قوم لر از شعبه‌های متعددی چون لک‌ها، لرهای لرستان، بختیاری، کهگیلویه، بویراحمد، ممسنی، حیات داودی، گله‌دار و دیگر گروهها تشکیل شده است (رک: پراکندگی جغرافیایی). لرها در منطقهٔ وسیعی از ایران شامل سرزمین‌های بین کرمانشاه تا نواحی بوشهر، به سر می‌برند. فزون بر این، اعضای این قوم در استان‌های مختلف ایران چون ایلام، همدان، اراک، قزوین، خوزستان، فارس، هرمزگان، باختران (کرمانشاهان)، کرمان و نیز نواحی خوار و رامین پراکنده‌اند. هر چند آمار دقیقی از جمعیت لرها در دست نیست ولی تعداد آنها حدود سه میلیون تخمین زده می‌شود.

لرها در دو قرن گذشته، یعنی طی زمامداری قاجاریان و پهلوی، بزرگترین لطمه سیاسی را متحمل شده‌اند. قاجارها که کینهٔ زنده را در دل داشته به همهٔ لرها به دیدهٔ دشمن می‌نگریستند و چون از این قوم بیمناک بودند در پی تضعیف آنها برآمدند. چنانکه ابتدا به تضعیف قدرتمندترین حاکم لر یعنی والی لرستان پرداختند و نیمی از قلمرو او را که در طول صدها سال به صورت نیمه مستقل اداره می‌شد جدا ساختند و بدین ترتیب دامنهٔ نفوذ او را به نواحی پشتکوه لرستان (استان ایلام) محدود کردند. والی ناگزیر به ترک خرم‌آباد گردید و پیشکوه لرستان (استان فعلی لرستان) را به قاجاریان واگذاشت. قاجارها پس از تسلط بر این منطقه، کوچکترین حقی برای مردم این خطه قایل نبودند، به طوری که اغلب اوقات شاهزادگان قاجار به عنوان حکام مستبد به این دیار گسیل

می شدند. حکام قاجاریه فقط یک مسئله را در نظر داشتند و آن جمع آوری مالیات هر چه بیشتر و انتقال آن به تهران بود. یکی از مأموران سیاسی انگلیس به نام آرنولد ویلسون که در سال ۱۹۱۱ در لرستان فعالیت داشته در خاطرات خود اشاره ای به وضع بی سر و سامان لرستان در دوره قاجاریه نموده است:

اگر نسبت به آبیاری و حفر قنوات و سدسازی این منطقه بذل توجه شود از اراضی حاصلخیز آنجا عواید سرشاری به دست خواهد آمد ولی افسوس که حکومت مرکزی فعلاً گذشته از اینکه ضعیف است و به این حدود مسلط نمی باشد به طور کلی نسبت به این قبیل مسایل نیز بی اعتنا و لاقید است و هرگاه مأمورین تهران هم یکروز به این حدود بیایند و وجوهی را که برای توسعه آبیاری و کارهای عمرانی اختصاص داده شده به مصرف معین نرسانیده و پولها را مورد سوء استفاده قرار خواهند داد و سپس وجوهی را که از این طریق نامشروع بدست آمده در سایر نقاط صرف عیاشی و هوس رانی خواهند کرد. اجرای نقشه های عمرانی مستلزم درستکاری و پاکدامنی است که متأسفانه این اوصاف حمیده در حال حاضر در ایران حکم کیمیا را دارد و تا اوضاع و احوال بدین منوال است امید و اصلاح بهبودی به منزل آب در هاون ساییدن است<sup>۱</sup>

حکام قاجار نه تنها قدمی در پیشرفت و آبادانی ارضی لرنشین و دیگر نقاط ایران برنداشتند بلکه خود مایه هرج و مرج و ناآرامی در بین لرها به ویژه لرهای لرستان، کهگیلویه - بویراحمد و ممسنی گردیدند. تنها در دو منطقه، یعنی بختیاری و پشتکوه لرستان، آرامش نسبی وجود داشت که زیر نظر ایلخانی بختیاری و والی لرستان اداره می شد. زورگویی و سوء مدیریت حکام قاجار موجب طغیان در سراسر ارضی لرنشین گردید به گونه ای که سرانجام پس از قتل ناصرالدین شاه ناآرامی و هرج و مرج به شدت گسترش یافت. اما اغلب نویسندگان و مورخین زمان قاجاریه تمام گناهان را به گردن لرها انداخته و آنها را به عنوان راهزن، دزد، اشرار، گردنه زن و غیره معرفی کرده اند. با این وجود گاهی برخی از مأمورین آن زمان جسته گریخته در گزارشهایی که برای سلاطین قاجاریه تهیه می کردند تا اندازه ای از واقعیات پرده برمی داشتند، چنانکه یکی از مأمورین

۱. ویلسون آرنولد، سفرنامه، ترجمه خواجه نوری، انتشارات وحید - تهران - ص ۷۹ - ۱۷۸.

در گزارشی که تحت عنوان «جغرافیای لرستان» برای ناصرالدین شاه ارسال داشته از ویرانی لرستان به وسیله حکام قاجاریه سخن به میان آورد، و یادآور شده است که:

بعد از قوت خاقان مغفور [یعنی فتحعلیشاه که به سال ۱۲۵۰ هجری در گذشت] حکام بنای بی اعتدالی را گذاشته و بدون جهت هر طایفه را غارت کردند. حاکم جدیدی که می آمد نیز تقلید و تبعیت از حاکم اول کرد. بر احجافات افزوده می شد و بدینواسطه از هر طایفه بسبب کم اوضاعی و پیریشانی فرار نموده به ولایت خارج مثل همدان و بروجرد و نهاوند و کرمانشاهان و جبل بغداد و صفحات روم [عثمانی] رفته مسکن می گرفتند. هر سال از جانب محصل مخصوص به جهت تفرقه مأمور می شد و ممکن نبود آنها را مراجعت دهند و به محل خود آورد، ساکن نمایند و توشمالان [رؤسای ایلی] هم در میان رعیت زیادی تعدی بی حساب می نمودند و به همین علت در هذّه السنه هزار و سیصد در پیشکوه و پشتکوه زیاده از بیست و پنجهزار خانوار نیست. بدون گزاف نصف آن تمام بی پا هستند. عمده خرابی لرستان علاوه از تعدی حکام که بحد حصر نمی توان درآورد و نمی توان گفت و نوشت که بچه وضع جبر و ستم در این لرستان می شد (جغرافیای لرستان ص ۷۰-۷۱).

همین مأمور در جای دیگر از ویرانی منطقه هرو و اوضاع بی سر و سامان این خطه از مملکت گزارش غم انگیزی دارد که حاکی از ظلم و ستم حکام قاجار و نابودی دهات و مزارع به وسیله آنان می باشد. در این گزارش آمده است که:

این محل قاید رحمت و دالوند در سابق شصت و هفت پارچه دهکده آبادی بود. که همه با حصار و قلعه های چهار برجی و شش الی ده برجی داشته، و معتبر بوده [از ده دوازده سال قبل ۱۲۹۰ یا ۱۲۸۸ هجری] هم اکنون آن قلعه ها را کوبیده و منهدم ساخته اند و رعیت را تمام بی پا کرده اند. سبب چه چیز است البته حکام گذشته یک مصلحتی فرص و اینکار را کرده اند.  
(همان ص ۱۶).

حکام قاجار که از برقراری نظم در قلمرو خود عاجز بودند به تحریک (ایلات علیه



نشرآگه

خیابان ابوریحان  
خیابان روانمهر، شماره ۱۹

ISBN: 978-964-329-135-8



9 789643 1291358

مرکز بختی-کتاب گزیده

خیابان فخر رازی، شماره ۳۳، تهران ۱۳۱۴۸

۶۶۴۰۰۹۷۸، ۶۶۴۸۰۵۶۹، ۶۶۴۹۳۹۶۲